

حقوق زوجین در اسلام



(قسمت دوم)

مقاله نجفی بازوکی

دسته دوم - حقوق مختص

الف - تکالیف مرد نسبت به زن

(۱- الف) قیمومت یا ریاست بر خانواده

گرچه در نظام خلقت، بین زن و مرد فرقی نیست و زن در خلقت چیزی از مرد کم ندارد و تمام ارزشهای قرآنی خطاب به "انسان" است و در هیچ جای قرآن در مباحث ارزشی، زن کمتر از مرد معرفی نشده است لکن در رابطه با امر خانواده، لازم است که فردی ریاست آن را بر عهده داشته باشد. چون خانواده خود یک اجتماع کوچک است و نیاز به نظم دارد. لذا باید ناظمی باشد تا امور خانواده را سامان دهد. در اسلام، ریاست خانواده، طبق آیه «الزَّجَالَ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...»^(۱) مردان بر زنان قیمومت دارند... به مردان داده شده است.

در تفسیر نمونه^۲ در رابطه با این آیه آمده است که:

«الزَّجَالَ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»، یعنی

مردان سرپرست و خدمتگزار زنان هستند. برای توضیح این جمله باید توجه داشت که خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و همانند یک اجتماع بزرگ، باید رهبر و سرپرست واحدی داشته باشد. زیرا رهبری و سرپرستی دسته جمعی که زن و مرد، مشترکاً آن را بر عهده بگیرند مفهومی نخواهد داشت و در نتیجه فردی (مرد یا زن) باید رئیس خانواده باشد و دیگری معاون و تحت نظارت او باشد. قرآن در اینجا تصریح می‌کند که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود. (البته اشتباه نشود، منظور از این تعبیر استبداد و اجحاف و تعدی نیست بلکه منظور رهبری واحد منظم با توجه به مسؤلیتها و مشورتهاى لازم است). و این موقعیت، به خاطر وجود خصوصیاتى در مرد است، مانند ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات و دیگری داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر؛ که با اولی می‌تواند بیندیشد

و نقشه طرح کند و با دومی می‌تواند از حریم خانواده خود دفاع نماید.^(۲) علامه طباطبائی در "تفسیر المیزان" در رابطه با تفسیر آیه: «الزَّجَالَ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» فرموده‌اند:

«قیم» کسی را گویند که مهم کس دیگر را انجام دهد و قوام و قیام صیغه مبالغه آن است. از عموم و توسعه، علت قیمومت مردان معلوم می‌شود که قیمومت مردان منحصر و مخصوص به مورد زن و شوهر نیست بلکه دامنه آن، تمام نوع مرد و زن را می‌گیرد؛ در تمام جهاتی که زندگی آن‌ها را بهم پیوند داده؛ یعنی جهات اجتماعی همگانی مثل حکومت، قضاوت و دفاع. زیرا این جهات با مسأله تعقل که در مردان بالنسبه بیش از زنان است، ارتباط و نسبت مستقیم دارد. بنابر این «الزَّجَالَ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» مطلق است.^(۳)

امین الاسلام طبرسی در "تفسیر جوامع الجامع" می‌فرماید:

«الرجال قوامون على النساء» يقومون عليهن بالامر والنهي، كما تقوم الولاية على رعاياهم ولذلك سَمَوْ قَوَامًا بسبب تفضيل الله بعضهم و هم الرجال «على بعض» يعنى النساء. وقد ذكر فى تفضيل الرجال اشياء؛ منها العقل والعزم والجهاد والخطبه والاذان وعدد الازواج والطلاق وغير ذلك وبما انفقوا اى وبسبب ما انفقوا فى نكاحهن من الاموال يعنى المهر والنفقة....»

از دیدگاه علامه طبرسی معنای قیومت مردان بر زنان، امر و نهی کردن مردان بر زنان است همان طور که حاکمان بر رعایای خود امر و نهی می کنند و علت آنهم، به دلیل داشتن عقل و اراده و دوراندیشی و شرکت در جهاد و امامت جمعه و مؤذن بودن و تعدد زوجات و غیره است و همچنین به دلیل اینکه مرد باید نفقه و مهر به زن بپردازد. لذا مرد حق دارد که به زن امر و نهی کند.^(۴)

یک سلسله مزایایی برای مرد هست و آن توانایی برای کارهای اجرایی است. لیکن در اصول بنیادی تقرب و تکامل، بین زن و مرد فرقی نیست. مثلاً وقتی که زن در مقابل مرد و مرد در مقابل زن به عنوان دو فرد مطرح می شود، هرگز مرد قوام و قیّم زن نیست و زن هم تحت قیومت مرد نیست «الرجال قوامون على النساء» مربوط به آنجایی است که زن در مقابل شوهر و شوهر در مقابل زن باشد که در آن صورت سخن از قوام بودن به میان می آید، علاوه بر آنکه قوام بودن نشانه کمال و تقرب الی الله نیست. همچنانکه در تمام وزارتخانه ها، مجامع و جامعه ها و مراکز افرادی هستند که قوام دیگری هستند. مدیر، مسؤول،

رئیس و مانند آن... اما این مدیریت فخر معنوی نیست بلکه عهدداری نوعی کار اجرایی است.

«الرجال قوامون على النساء»، یعنی یا ایها الرجال! کونوا قوامین... یعنی ای مردها شما به امر خانواده قیام کنید. قوام منزل باشید، سرپرست منزل باشید، کارها را در بیرون انجام دهید و اداره زندگی را در منزل برعهده بگیرید. لذا مرد نباید کاری کند که زن در داخل خانه از او برنجد، مثلاً بیرون غذا نخورد و با دوستان بیرونی هماهنگ نباشد. چون بیرون فقط محل کار اوست و بس. آسایش و زندگی مرد در خانه است.

«الرجال قوامون على النساء»، به این معنا نیست که زن اسیر مرد است و مرد «قوام» و «قیوم» و مدیر است و می تواند به دلخواه خود عمل کند. خواه بخواهد به منزل برود خواه نخواهد. البته قرآن به زنها می گوید شما هم به این مدیریت و سرپرستی داخلی احترام بگذارید. هرگز «الرجال قوامون على النساء» نیامده است تا فتوای یکجانبه بدهد و به مرد بگوید تو فرمانروا هستی و هرچه می خواهی بکن. بنابراین اسلام اگر این دو حکم الزامی را در کنار هم ذکر می کند و به زن در مقابل شوهر دستور تمکین می دهد و به مرد در مقابل زن دستور سرپرستی می دهد، تنها بیان وظیفه است و هیچ یک نه معیار فضیلت محسوب می شود و نه موجب نقص است. قیّم بودن زن و مرد در محور اصول خانواده است. گاهی زن قیّم مرد است و گاهی مرد قیّم زن. در اصول خانوادگی بسیاری از مسائل عوض می شود. اطاعت فرزند چه پسر باشد و چه دختر - از ساحت مقدس پدر و مادر واجب است و

وقت فوق العاده نسبت به رفع نقص اقدام و پرونده را عودت دهد.

ماده ۲۶ - قضای اجرائی احکام دادگاه در صورتی که حکم صادره را خلاف موازین شرعی یا قانونی یا فاقد دلایل کافی تشخیص دهند، یا اعتراض محکوم علیه یا وکیل مدافع وی، همچنین اعتراض شخص ثالث نسبت به صادره یا ضبط مال را وارد بدانند، موظف است در هر مورد، اعتراض خود را مستنداً و مستدلاً به قضای صادرکننده رأی اعلام و متذکر گردد. در این صورت، چنانچه پاسخ دادگاه قانع کننده نباشد، حکم به مرحله اجرا درخواهد آمد. در غیر این صورت یا در مواردی که دادگاه شخصاً پی به اشتباه خود نبرد، پرونده را در اجرائی قسمت اخیر ماده ۳۲ قانون به دبیرخانه دادستانی کل کشور ارسال می دارد.

تبصره ۱ - اقدامات قضای اجرائی احکام باقی اختیارات رئیس دادگستری یا رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی نخواهد بود. تبصره ۲ - در چنین مواردی که پرونده به دادستانی کل کشور ارسال می شود، اجرائی حکم شلاق را تعیین تکلیف نهایی مترقب خواهد شد.

ماده ۲۷ - چنانچه بر اثر سهو قلم از قیبل ذکر مشخصات دقیق محکوم علیه، دادگاه مرتکب اشتباهی گردد که به اساس حکم خطئی وارد نتواند می تواند مبادرت به تصحیح حکم نماید. حکم تصحیح شده در دادنامه اصلاحی به محکوم علیه اصلاح خواهد شد.

ماده ۲۸ - چنانچه فعل ارتكابی از ناحیه محکوم علیه بر فرض شوق، حرم نباشد و

اگر فرزند کاری کند که پدر یا مادر برنجند، مورد عاق پدر و مادر واقع می‌شود و عقوق والدین از گناهان کبیره است. بنابراین اگر مادر فرزند را از کاری نهی کرد و گفت: این کار مایه آزردهی من می‌شود، در اینجا اطاعت مادر واجب است و نمی‌تواند بگوید چون فعلاً در رتبه اجتهاد هستم یا مهندس و طیب شده‌ام و مانند آن، دیگر تحت فرمان مادر نیستم و در حقیقت در چنین مواردی، زن است که بر مرد قیم است. مادر است که بر پسر قیم است ولو اینکه پسر مجتهد و یا متخصص باشد. (۵)

نتیجه

با توجه به آرای مفسرین در می‌یابیم که:

اول اینکه، منظور از قیم بودن مرد یعنی خدمتگزاری مرد نه اینکه ریاست محض و بی‌چون و چرا بر زن.

دوم اینکه، از میان نظرات بیان شده، نظر علامه طباطبائی که فرمودند: «الرجال و النساء هر دو عام هستند و قوام بودن مردان بر زنان عمومیت دارد، قابل قبول است چون در تمام کارهای اجرایی که بحث فضیلت پیش می‌آید، یعنی آن کارهایی که بنا به دلایلی از زنان سلب شده و به مردان سپرده می‌شود مثل امر قضاوت؛ زنان باید ولایت مردان را بپذیرند. البته در اینجا بر مردان دیگر هم لازم است که چنین ولایتی را بپذیرا باشند.

سوم اینکه، در رابطه با خانواده بنا به مسئولیتهایی که به عهده مردان نهاده شده (و در توضیحات پیش ذکر شد) ریاست خانواده با مرد است. چون خداوند تبارک و تعالی، خانواده را محل اسکان و آرامش اعضا قرار داده است، لذا برای اجرای موفق

امور آن متوسل به نظامی متناسب با ساختار خانواده شده است که عبارتست از: وجوب قیومت مردان بر زنان، وجوب انفاق مرد بر زن، وجوب فرمانبری زن از مرد و وجوب حفظ اسرار و اموال همسر از طرف زن. این چهار مورد از اهم

خانواده موجود است و نیاز به نظم دارد. لذا باید لایحه باشد تا امور خانواده را سازمان دهد.

مسحورهای تحکیم پایه‌های خانواده هستند.

چهارم اینکه، وقتی که زن در مقابل مرد و مرد در مقابل زن به عنوان دو فرد مطرح هستند، هرگز مرد نسبت به زن، قوام یا قیم زن نیست و زن هم در تحت قیومت مرد نیست. بلکه «الرجال قوامون علی النساء» مربوط به آنجایی است که زن در مقابل

قیم بودن زن و مورد در مسحور اصول خانواده است. گاهی زن قهرمرد است و گاهی مرد قیم زن

شوهر و شوهر در مقابل زن باشد. یعنی در این صورت سخن از قوام بودن مرد به میان می‌آید و مرد بر زن قوام است. اما گاهی زن قیم مرد است مثل رابطه مادر و فرزند که اطاعت مادر بر فرزند واجب است. اگر مادر فرزند پسر خود را از کاری نهی کند و بگوید: این کار مایه آزردهی من می‌شود، در اینجا اطاعت مادر واجب است و پسر نمی‌تواند بگوید چون فعلاً من در درجه اجتهاد هستم و یا دکتر و مهندس

هستم، تحت فرمان مادر نیستم در حقیقت در چنین مواردی، زن است که بر مرد قیم است.

۲- پوداخت نفقه:

تعریف نفقه:

فقهای امامیه قائل هستند که منظور از "نفقه" تمام آن چیزهایی است که زن به آن احتیاج دارد، مثل خوراک، پوشاک، منزل، مستخدم، هزینه نظافت و آرایش در حد عادت و رسم زنان هم ردیف او.

در ماده (۱۱۰۷) قانون مدنی نیز نفقه این‌طور تعریف شده است: «نفقه عبارتست از مسکن، البسه، غذا و اثاث‌اللیت که به‌طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او بواسطه مرض یا نقصان اعضاء».

حد نفقه:

حضرت امام خمینی ره در «تحریرالوسیله» می‌فرمایند: «اندازه‌ای برای نفقه شرعاً نیست بلکه ملاک حاضر کردن تمام چیزهایی است که زن به آنها احتیاج دارد که عبارتست از غذا و خورش، پوشاک، رختخواب، روانساز، منزل، خدمتکار و وسایلی که احتیاج دارد برای پخت و پز و نظافت و غیرذلک» (۶)

با توجه به تعریف حضرت امام و دیگر فقهای امامیه "نفقه" شامل هشت مورد است:

۱ و ۲- غذا و خورش

حضرت امام صادق ع در این رابطه می‌فرمایند: «حق المرأة علی الرجل أن یسبح بطنها و یکسو جثتها» (۷) حق زن بر مرد این است که او را سیر کند و بدنش را بسپوشاند. حضرت امام ره در

تحریر الوسیله" در این مورد می فرمایند:

«غذا از حیث مقدار و جنس باید مثل طعامی باشد که در شهر متعارف است و چیزی باشد که با مزاج زوجه سازگاری دارد. و اگر زوجه مثلاً به خوردن گوشت عادت دارد و خوردن گوشت موافق و سازگار با مزاج اوست، واجب است همان گوشت را تهیه کند و یا اینکه اگر زوجه به خوردن چیزی عادت دارد که ترک آن موجب ضرر او می شود، باید آن را تهیه کند، بلکه باید چیزهایی که غیر از طعام است و اکثر مردم به خوردن آن عادت دارند مثل چای، قهوه و مثل اینها را تهیه کند. بهتر از این، اینست که حتی میوه هایی که در فصل گرما باعث رفع عطش و گرماسی، تهیه کند و حتی مرد باید میوه هایی که در فصول مختلف سال متعارف است، برای همسرش تهیه کند.»^(۸)

در حدیثی از امام رضا علیه السلام روایت شده است: «صاحب النعمة یجب علیه التوسعة علی عیاله»^(۹): کسی که دارای مال و منال (مالدار) است واجب است بر عیالات خود توسعه دهد.

با توجه به فتوای حضرت امام در باب غذا و خورش و نیز حدیث فوق، درمی یابیم که گرچه بر مرد فقط واجب است که زن را سیر کند و بدن او را بپوشاند، اما باید حد متعارف را در این رابطه رعایت کند و اگر مردی قدرت مالی دارد، باید برای خانواده خود وسعت آسایش قائل شود و به همان حد بخور و نمیزر اکتفا نکند.

۳- لباس

با توجه به همان حدیثی که در باب غذا بیان شد، پوشاندن زن نیز از واجبات است و حقی است از سوی زن بر مرد. لباس از

نظر جنس و مقدار بستگی به عرف جامعه دارد و مرد باید آنچه را که در بین مردم متعارف است، در رابطه با زوجه خود رعایت کند. حضرت امام علیه السلام در این مورد می فرمایند:

«در لباس باید آنچه بین زنان آن شهر متعارف است، رعایت شود. باید لباس تابستانی و زمستانی برای زوجه فراهم کنند، بلکه اگر زن شیک پوش (ذوات التجمل) است، واجب است بر مرد، علاوه بر لباس که تن پوش اوست، اینها را هم بر حسب امثال او تهیه کند.»^(۱۰) صاحب جواهر علیه السلام نیز همین نظر را دارند.^(۱۱)

۴- فراش:

منظور از فراش، زیر انداز و وسایل استراحت است. حضرت امام خمینی علیه السلام در این مورد می فرمایند: «...و همچنین فرش و روانداز، پس به آنچه را که بر زمین فرش می کند و آنچه که برای خواب از لحاف و بالش و آنچه روی آن می خوابد، احتیاج دارد؛ باید برایش تهیه شود و مقدار و جنس و وصف آن مثل موارد قبلی باید رجوع به عرف کرد...»^(۱۲)

۵- وسایل طبخ و آشپزی و شرب:

مرد موظف است وسایل طبخ و آشپزی و شرب را برای زن در حد متعارف آماده کند.

۶- وسایل تنظیف و آرایش:

صاحب "جواهر" در این رابطه می فرمایند: «السّادس الة التّنظیف و هی المشط و الدهن و لایجب الکحل و الطیب...»^(۱۳)

طبق نظر صاحب جواهر، شانه و دهن (کیرم) جزو نفقه به شمار می آیند ولی

بنا بر مسئولیت حقوق عمومی شده باشد بنا
سه جهت دیگر از جهات قانونی، قابل
تقلب نبوده و بنا بر آن قابل تغییر است، رأی
صادر، توسط مرجع عالی، بعضی بلاوجاع
می گردد. در این صورت، به طرف مقتضی،
مراتب فوراً به دادگاه اعلیٰ، بنا نسبت به
آزادی بلاعید محکوم اقدام نماید.
ماده ۳۴ در اجرای ماده ۳۳ قانون
کمیته های تخصصی تحت عنوان
آموزش عمومی، پیشگیری و درمان
بازرسی تبلیغات و معاینه با عرض
توسط مدیر خانه ستاد اجراء خواهد گردید.
ترکیب اعضاء و شرح وظایف کمیته ها،
بالنسبت به اجراءات قانونی آن، توسط مدیر
ستاد مشخص و به تصویب ستاد می رسد.
ماده ۳۵ در زوجه به ماده ماده ۳۴ قانون، اگر
سجلات جریمه متضمن جنس یا اقسام
ساخته بار باشد مواد ۸۲ و ۸۳ در کشور
قانون آیین دادرسی کیفری قرار سازد
موقت صادر می گردد.
ماده ۳۶ در اجرای قسمت ذیل ماده ۳۸
قانون، چنانچه رئیس دیوان عالی کشور یا
دادستان کل کشور، تشخیص دهد که
تأهات میسر، محکوم علیه را مستحق
عفو نشمارد، اجراء حکم بنا
اطهار نظر کمیسیون عفو قوه قضائیه و
قبول بنا بر پیشنهاد عفو از طرف مقام
مسئول قضایی، مستوفی خواهد شد.
در این موارد، دادگاه پرونده را از طریق
هیئت عفو سریعاً به کمیسیون عفو قوه
قضائیه ارسال می نماید.
تعمیر و اجراء تبصره ماده ۳۸ قانون،
نسبت به محکومین اقدام و حسن اید همان
است که در صدر ماده فوق آمده است.

سرمه‌جات از امور مربوط به نفقه محسوب نمی‌شود.

حضرت امام علیه السلام اجرت حمام را نیز جزو نفقه شمرده‌اند و در این مورد نظر ایشان چنین است که، «هزینه حمام خواه برای غسل کردن باشد، خواه برای نظافت، بر مرد واجب است. البته اگر حمام کردن در

خانه معمول نیست یا به دلایل دیگر نمی‌تواند در خانه خود را شستشو دهد.» اما برخی از فقها، هزینه حمام را جزو نفقه به حساب نیاورده‌اند و علت آن هم این بوده که در زمانهای قدیم کسی برای حمام کردن به بیرون از خانه نمی‌رفته و یا حمام کردن مخصوص طبقه خاصی بوده است، لذا خرجی هزینه‌ای به‌عنوان هزینه حمام مطرح نبوده است. (۱۴)

۷- مسکن:

«مرد باید برای همسرش خانه‌ای را که سزاوار و شایسته اوست، تهیه کند؛ خواه به‌صورت اجاره یا عاریه و یا ملک شخصی.» (۱۵) و «زن می‌تواند از شوهر بخواهد که او را در مسکن منفرد یعنی مسکنی که غیر از او کسی در آن نباشد، اسکان دهد.» (۱۶)

۸- خدمتکار:

«اگر اهل خدمت و حشم باشد و از خانواده‌های ثروتمند که خودشان کار نمی‌کنند، باشد، بر مرد واجب است یا برای همسرش خدمتکار بگیرد و یا اینکه خودش کارها را انجام دهد. همچنین اگر زنی مریض است و نمی‌تواند کار کند، باید برای او خادم بگیرد، اگر چه از خانواده

اشراف هم نباشد.» (۱۷) نکته مورد توجه این است که اگر زنی در هنگام ازدواج داوطلبانه قبول کند که کارهای روزانه را انجام دهد، حق مطالبه هزینه خدمتکار را ندارد.

نتیجه:

با توجه به فتاوی علمای بزرگانی چون



حضرت امام علیه السلام و صاحب جواهر، «نفقه» در این هشت موردی که ذکر شده، به‌عنوان دینی از طرف زن بر مرد است، یعنی اگر مرد، این موارد را تهیه نکند به زن مدیون است، اگر چه زن خود ثروتمند باشد. همچنین، ذکر این نکته ضروری است که نفقه، تنها مخصوص این هشت مورد نیست بلکه موارد دیگری هم هستند که جزو نیازمندیها حساب می‌شوند و جزو این هشت مورد هم نیستند. مثل تأمین سوخت زمستانی، یا سوخت مورد نیاز برای پخت و پز و یا هزینه مداوای امراض عادی. ولی هزینه مریضیهای لاعلاج که نیاز به صرف هزینه‌های زیادی دارد بر عهده مرد نیست. (۱۸) و همچنین باید توجه

داشته باشیم که در تمام موارد ذکر شده، توانایی مرد مهم است و اگر مرد توانایی نداشته باشد، خداوند او را امر به مالایطاق نمی‌کند (۱۹). و اینکه می‌فرماید که اگر مردی در این زمینه‌ها کوتاهی کند مدیون زن است، برای شخصی است که توانایی تهیه این موارد را دارد و اقدام نمی‌کند و یا می‌تواند برای تهیه آنها تلاش کند و نمی‌کند. (ادامه دارد...)

پی نوشتها:

۱. سوره نساء، آیه ۳۴.
۲. تفسیر نمونه، ج ۳- صفحات ۳۶۹، ۳۷۰ و ۳۷۱.
۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۵۰۷.
۴. تفسیر جوامع الجامع، جلد ۱، ص ۲۵۳.
۵. زن در آئینه جمال و جلال، آیت‌الله جوادی آملی- از ص ۳۶۵ تا ص ۳۶۹.
۶. تحریرالوسیله، کتاب نکاح- فی نفقه الزوجه، مسأله ۸.
۷. وسایل الشیعه، ج ۱۵، کتاب النکاح- ابواب نفقات، باب وجوب نفقه الزوجه الدائمه، ج ۳، ص ۲۲۳.
۸. تحریرالوسیله، کتاب نکاح- فی نفقه الزوجه، مسأله ۸.
۹. وسایل الشیعه، ج ۱۵- کتاب نکاح- ابواب نفقات باب توسعه بر عیال- ج ۳، ص ۲۴۹.
۱۰. تحریرالوسیله، جلد ۲- کتاب النکاح- فی نفقه الزوجه، مسأله ۸.
۱۱. جواهر الکلام، ج ۳۱- کتاب النکاح- فی تقدیر نفقه الزوجه، ص ۳۳۴.
۱۲. تحریرالوسیله، ج ۲- کتاب النکاح- فی نفقه الزوجه، مسأله ۹.
۱۳. جواهر الکلام، ج ۳۱- کتاب النکاح- فی تقدیر نفقه الزوجه، ص ۳۳۵.
۱۴. تحریرالوسیله، ج ۲- کتاب النکاح- فی نفقه زوجه، مسأله ۹.
۱۵. جواهر الکلام، ج ۳۱- کتاب النکاح- فی تقدیر نفقه الزوجه، ص ۳۳۶.
۱۶. تحریرالوسیله، ج ۲- کتاب النکاح- فی نفقه زوجه، مسأله ۸.
۱۷. تحریرالوسیله- ج ۲- کتاب النکاح- فی نفقه زوجه، مسأله ۹.
۱۸. تحریرالوسیله، ج ۲- کتاب النکاح- فی نفقه زوجه، مسأله ۱.
۱۹. جواهر الکلام، ج ۳۱- کتاب النکاح- فی تقدیر نفقه الزوجه، ص ۳۳۳.